

ساختار کالبدی- فضایی شهر همدان

از آغاز دوره ی اسلامی تا پایان دوره ی قاجار براساس مدارک و شواهد موجود

دکتر محمد ابراهیم زارعی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا
Me-zarei@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۸
(از ص ۵۷ تا ۸۲)

چکیده

همدان پیشینه‌ای کهن دارد که مدیون موقعیت طبیعی آن است؛ نخست دشت وسیعی که شهر در آن شکل گرفته، دوم کوه الوند که بر دامنه‌ی آن آرمیده است. این وضعیت جغرافیایی همدان را از دیرباز به یک مرکز زیستگاهی همیشگی مبدل کرده است. همدان در دوره‌ی اشکانی و ساسانی یک مرکز مهم اداری- بازرگانی بود. همدان در جنگ‌های فتوح توسط تازیان گشوده شد. این شهر در دوره‌ی اسلامی بر محور مسجد جامع و بازار گسترش یافت و مورد توجه مورخان و جغرافیانویسان بود. هر یک ساختار شهر را به گونه‌ای که دیده یا شنیده بودند، توصیف نموده‌اند. پرسش‌های مهم این نوشتار بدین ترتیب می باشد یکم، دلیل اهمیت و تداوم زیستگاهی همدان در دوره‌ی اسلامی چه بوده است؟ دوم، کدامیک از ساختارهای شهری در توسعه و پایداری همدان موثر بوده است؟ وضعیت جغرافیایی و قرارگیری در مسیر راه‌های تجاری و کاروانی، ساختار اقتصادی و بازرگانی منجسمی در دوره‌های مختلف به شهر همدان بخشیده است. هر چند، شهر از ساختارهای مذهبی همچون مساجد و آرامگاه‌ها برخوردار بود، اما ساختار اقتصادی شهر جایگاه خاصی داشت. وضع موجود بازار اهمیت آن را تأیید می‌کند. تعدد محله‌ها و مراکز محله‌ای با بناهایی همچون مساجد و بناهای عمومی، نشانه‌های بارزی از اوضاع اجتماعی و ساختار معماری محلات می‌باشد. جایگاه و اهمیت ساختار حکومتی شهر همدان نسبت به دوره‌ی پیش از اسلام متفاوت بود. این تفاوت عمدتاً در نحوه‌ی گسترش شهر قابل درک است. نوشته‌ی حاضر با استناد به مدارک و شواهد موجود به اهمیت جغرافیایی، آثار جغرافیانویسان در این باره، ساختار کلی شهر، ساختارهای مذهبی، مسکونی، اقتصادی و حکومتی شهر می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

همدان، ساختار شهری، ساختارهای مذهبی، دوره‌ی اسلامی.

مقدمه

آثار موجود، نوشته‌ها و داده‌های باستان‌شناسی نشانگر آن است که ساختار شهرهای ایرانی پیش از فتح ایران توسط مسلمانان (جنگ‌های فتوح) از اصول کلی شهرسازی ایرانی پیروی نموده و براساس آیین و فرهنگ مردم ساکن در آن شکل گرفته بود. اگرچه که پیشینه‌ی شهر همدان براساس نوشته‌های مورخان کلاسیک یونان و روم به دوران ماد می‌رسد، ولی تاکنون از ساختار شهر مادی هگمتانه آثاری به دست نیامده است. بنابراین، آثار موجود و کشف شده، عمدتاً مربوط به دوره‌های هخامنشی، سلوکی، پارت و ساسانی است.

همدان در اوایل دوره‌ی اسلامی همچون بسیاری شهرهای دیگر ایران توسط اعراب در جنگ‌های فتوح گشوده شد و تحت فرمان آنان درآمد. مدارک نشان می‌دهد شهر همدان در این دوره‌ی زمانی با توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی و بویژه آیین نو، بر محور ساختارهای جدید گسترش یافت.

پرسش‌های اساسی نوشته‌ی حاضر نخست دلیل اهمیت و تداوم زیستگاهی همدان در دوره‌ی اسلامی و دوم، بررسی تأثیر برخی ساختارهای شهری در توسعه و پایداری همدان می‌باشد؟ فرضیه‌های قابل طرح، همدان موقعیت خاص طبیعی و جغرافیایی دارد و همین امر موجب شکل‌گیری و در نتیجه موجب تداوم زیستگاهی در ادوار مختلف و ویژه دوره‌ی اسلامی شده است. همچنین اگرچه مسجد جامع، گسترش شهر را در پی داشته، ولی ساختار مهم دیگر در گسترش و رونق شهر همدان، بازار بوده است. بازار همدان از دیرباز به دلیل موقعیت شهر همدان و قرارگیری در میان راه‌های ارتباطی غرب به مرکز ایران آن را به یک مرکز اقتصادی، تجاری و بازرگانی مهم تبدیل کرده بود.

پیشینه‌ی تحقیق

مقالات و نوشته‌های متعددی در مورد شهر همدان نوشته شده است. این نوشته‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ دسته‌ی نخست نوشته‌هایی است که عموماً به شهر همدان در دوران باستان و پیش از اسلام پرداخته که تعدادی از آنها در حوزه مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی است. دسته‌ی دوم مربوط به دوره‌ی پس از اسلام است که در قلمرو تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی و بعضاً مطالعات شهرسازی است. بنابراین نوشته‌ی حاضر با استناد به مدارک و شواهد موجود و مکتوب بویژه نقشه‌ای از روس‌ها و یک نقاشی از دوره‌ی عثمانی به این موضوع پرداخته است. اکثر مورخان و جغرافیانویسان در دوره‌ی اسلامی از اوضاع و گسترش کلی شهر همدان سخن گفته‌اند؛ هرچند برخی از این نوشته‌ها اغراق‌آمیز است و شهر را بیش از آنچه بوده است، جلوه داده‌اند. از سوی دیگر هم گاهی نوشته‌ها از یک منبع خاص ذکر شده و نویسندگان آن مطالب هیچگاه شهر را ندیده‌اند. بنابراین، این مسأله موجب شده است که ساختارهای شهری به درستی ثبت و ضبط نگردند و این عامل پژوهشگر را با حالتی بزرگ مواجه می‌کند. اگرچه ساختارهای شهر مهم بوده‌اند، ولی این‌گونه نوشته‌ها در ذهن پژوهشگر تردید ایجاد می‌نماید. این مقاله در پی آن است که با بررسی نوشته‌ها و داده‌های موجود و مدارک و مستندات تصویری از شهر در موردهای مذکور بدست دهد که به واقعیت نزدیک‌تر باشد. لازم به ذکر است درباره‌ی همدان آثار بسیار موجود است، ولی همه‌ی مدارک از جمله نوشته‌ها و اسناد و داده‌های موجود و با هم مقایسه و تحلیل نشده است. بنابراین، پرداختن به ساختار شهر همدان

با این نگاه و با استناد به مدارک و داده‌های باستان‌شناسی و وضعیت موجود از ساختار تاریخی همدان که حاوی نشانه‌های مهمی همچون ساختارهای مسکونی، مذهبی، تجاری-اقتصادی و حکومتی اجتناب ناپذیر است. نوشته‌ی پیش روی با وجود برخی کاستی‌ها، می‌تواند پژوهشی تازه در باستان‌شناسی ساختار شهر همدان در دوره‌ی اسلامی باشد.

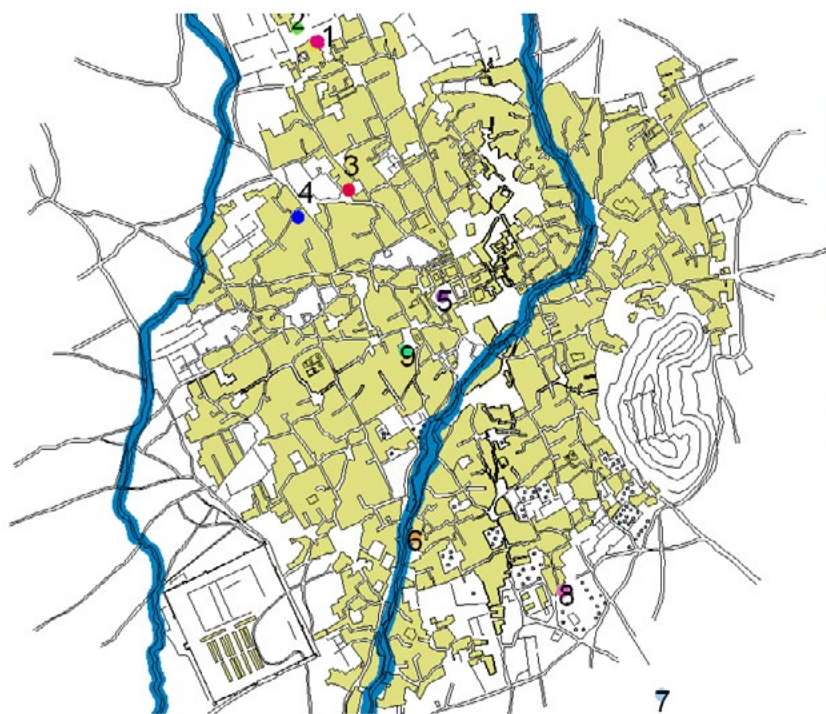
روش تحقیق حاضر براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. در هر دو روش مدارک و اسناد و شواهد موجود با هم مقایسه و تحلیل شده است. همچنین نوشته‌های قدیمی، نقشه‌ها، تصاویر و سایر مدارک نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

وضعیت جغرافیایی همدان

شهر همدان در طول جغرافیایی ۲۸ تا ۴۸ درجه و ۳۳ درجه تا ۴۸ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۴۵ تا ۳۴ درجه و ۵۰ تا ۳۴ دقیقه و در بلندی ۱۸۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد. مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شهرهای غرب به مرکز ایران از دیرباز از طریق این شهر بوده است.

همدان در میان دشتی قرار دارد که از جانب باختر به دره‌ی گنج‌نامه متصل می‌گردد. رودخانه‌ی «عباس‌آباد» که از کوه الوند سرچشمه می‌گیرد و از باختر شهر همدان می‌گذرد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۶۸: ۴۷۷). امروزه شهر در همه‌ی جهات و به ویژه از جانب رودخانه در باختر گسترش چشمگیری یافته و شهرک‌های الوند حصار و دیزج در آن سوی رودخانه‌ی مزبور قرار گرفته است که بخشی از شهر محسوب می‌شود. یکی از دلایل عمده‌ای که همدان را به عنوان یک زیستگاه مورد توجه قرار می‌دهد، وجود این رودخانه‌ی و رودخانه دیگری به نام الوسجرد است که از دره‌ی مرادیگ سرچشمه می‌گیرد. و دشت همدان از سوی جنوب به آن اتصال یافته‌است. این دره هم دارای رودخانه‌ای بوده که اساساً همدان در کنار آن واقع شده و از قدیم از میان شهر همدان عبور می‌کرده است و اکنون کانال فاضلاب شهری است. در این باره جکسن (۱۳۶۹: ۱۷۵) نوشته است که رودخانه‌ای بی‌اهمیت الوسجرد از وسط شهر می‌گذرد و بر آن چندین پل سنگی یک چشمه، و چند پل چوبی زده‌اند، در بهار آب این رودخانه بر اثر آب شدن برف‌های الوند بالا می‌آید، اما در تابستان تقریباً خشک است و آنقدر آب دارد که بتواند آسیاهای آبی ویرانی را که در ساحل آن قرار دارد، بگرداند (شکل، ۱ و ۲). به استناد مدارک قدیمی، و آثار موجود، شهر همدان دارای کاریزها، قنات‌ها و چشمه‌سارهای فراوانی بوده است که به مرور زمان مخروبه و خشک شده است (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۵ همانجا)، اما هنوز تعدادی از آنها در جای‌جای شهر در جریان است و در فاضلاب‌های شهری وارد می‌شود.

کوه الوند به مانند سدی در مقابل بادهای مدیترانه‌ای قرار گرفته و به علت ارتفاع زیاد بخش عمده‌ی رطوبتی که از سوی این دریا می‌آید و به کوه الوند می‌رسد، متوقف شده تشکیل ابر می‌دهد و موجب بارندگی می‌شود. به همین جهت این کوه سرچشمه‌ی رودهای طویل و پرآب در شهر همدان است؛ همچنین بعضی شعبه‌های اولیه‌ی رودهای بزرگ غربی ایران از این کوه می‌باشد (خزائل کردستانی، ۱۳۲۳: ۷). برخی از رودخانه‌های همدان دائمی و برخی دیگر موقتی هستند که در فصل بهار در اثر آب شدن برف کوه‌های اطراف و زیادی بارندگی به شکل سیل در آمده و در فصل تابستان به کلی از بین رفته و خشک می‌شوند.



- 1 آرمنگاه بابا دلمهر
- 2 امامزاده حادی ابن علی
- 3 گنبد حلویان
- 4 امامزاده عبدالله
- 5 مسجد جامع
- 6 آرمنگاه بروعلی
- 7 شیر سنگی
- 8 برج قربان
- 9 استر و مردخای

شکل ۱: نقشه‌ی شهر همدان و رودخانه‌های آن که در سال ۱۹۱۹ میلادی توسط ارتش انگلیس تهیه شده است (آرشیو شخصی محمدیان منصور). ◀



شکل ۲: نمای عمومی شهر همدان و پلی که بر رودخانه‌ی الوسجرد بوده است (سازمان جغرافیایی ارتش، ۲۵۳۵: ش ۷). ◀

نامی باستانی

شماره ۱، دوره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

همدان از نگاه جغرافیایانویسان و سیاحان خارجی

حکمران همدان در هنگام حمله‌ی اعراب، در سال ۲۳ هـ.ق. با آنان صلح کرد، ولی این صلح دوامی نیافت، و جنگی درگرفت و بنوسلمه ریاست شهر را به دست آورد. هرچند همدان از لحاظ موقعیت مانند گذشته یکی از مراکز مهم تجارت محسوب می‌شد، اما پس از چندی دوره‌ی تنزل آن از لحاظ کاهش جمعیت آغاز شد (خزائل کردستانی، ۱۳۲۳: ۱۶). از اواسط قرن سوم هـ.ق. ریاست شهر در اختیار سادات حسنی کوچیده به همدان قرار گرفت. آنها به عنوان علویان و سپس علاءالدوله‌های همدان، چهار سده این مقام را به طور موروثی در اختیار داشتند. عواید و درآمدهای شهر در اختیار دستگاه خلافت بود. یعقوبی (۱۳۸۱: ۳۸) در سال ۲۷۸ هـ.ق. همدان را شهری با وسعت توصیف نموده، که خراج آن شش میلیون درهم بوده و آنجا را به همان دلیل ماه بصره نامیده‌اند؛ چون خراج در حساب بخشش‌های اهل بصره حمل می‌شد. این خراج و مالیات سنگین بی‌تردید از بازاریان و کشاورزان گرفته می‌شد.

از سال ۳۱۹ هـ.ق. همدان بارها مورد تازش دیلمیان و عوامل حکومت‌های حسنویه و کاکویه قرار گرفت. آنان پس از تسخیر شهر، اقدام به تخریب دروازه‌های محکم و دژهای استوار و دیوارهای بلند آن کردند. در این میان دو مجسمه‌ی شیر سنگی را که هر یک واقع بر فراز یکی از دروازه‌های شهر به زیر افکندند که یکی از آنها به کلی نابود شد (قراگزلو، ۱۳۶۹: ۵۸۰) و آن یکی مثله باقی مانده است.

جغرافیادانان سده‌ی چهارم هـ.ق. همدان را شهری بزرگ و بازسازی شده و به مساحت یک فرسنگ (۷/۵ کیلومتر) در یک فرسنگ دانسته‌اند که دارای برج و بارو و شهرستان (ریض) با چهار دروازه‌ی آهنی، خانه‌های گلین و چشمه‌ها، جوی‌ها و باغ‌های بسیاری بوده است که بنای عتیق (ارگ هگمتانه یا سارو) در میانگاه شهر رو به ویرانی نهاد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۵). مسجد جامع آنجا هم در میانه‌ی سه راستای بازار بر شالوده‌ی ساختمانی (معبدی) کهن استوار بوده است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). لازم به ذکر است عددی که ذکر شده اغراق آمیز است و همدان ۷/۵ کیلومتر در ۷/۵ کیلومتر وسعت نداشته است، مگر اینکه روستاها و رستاق‌های آن را نیز در این دوره متصور شویم. ابن فقیه (۱۳۴۹: ۳۶) هم در این زمینه دچار، این خطا شده و در قرن سوم هـ.ق. همدان را بزرگترین شهر ایالت جبال که حدود چهار فرسنگ در چهار فرسنگ بوده است، معرفی می‌کند به نظر می‌رسد روستاهای پیرامون شهر همدان مورد نظر او بوده باشد. ابودلف خزرچی (۱۳۴۲: ۱۴۵) در سال ۳۴۱ هـ.ق. نوشته است همدان شهر دارا پسر دارا می‌باشد. در میانگاه همدان، شهرستانی است، که شهر بزرگ ساخته شده بر ایوانی به بلندی سی گز و دارای چهار دروازه و طاق‌های رفیع است. چون دارا نیکویی آن مکان را دید شهر را در آنجا ساخت. پیشتر آن جایگاه بیشه‌زار وحوش بود (مجمل التواریخ والقصص، ۱۳۷۸: ۵۶). شهر همدان بر اثر زلزله نیز خسارت دیده است. زمین‌لرزه‌ای به سال ۳۴۵ هـ.ق. ویرانی بسیاری در همدان به بار آورده و اکثر خانه‌ها آسیب دیدند و نیز اداره‌ی حکومتی این شهر ویران شد (امبرسزن، ۱۳۷۰: ۱۳۶). پس از آن تا سال ۳۵۱ هـ.ق. کشمکش‌های مذهبی جان بسیاری از مردم را گرفت. مقدسی (۱۳۶۸: ۳۹۲) هم در سال ۳۷۵ هـ.ق. همدان را تختگاه سرزمین جبال و شهری کهن می‌داند که ساختمانی باستانی در آن می‌باشد، وی می‌نویسد شهر میانگاه این شهر که

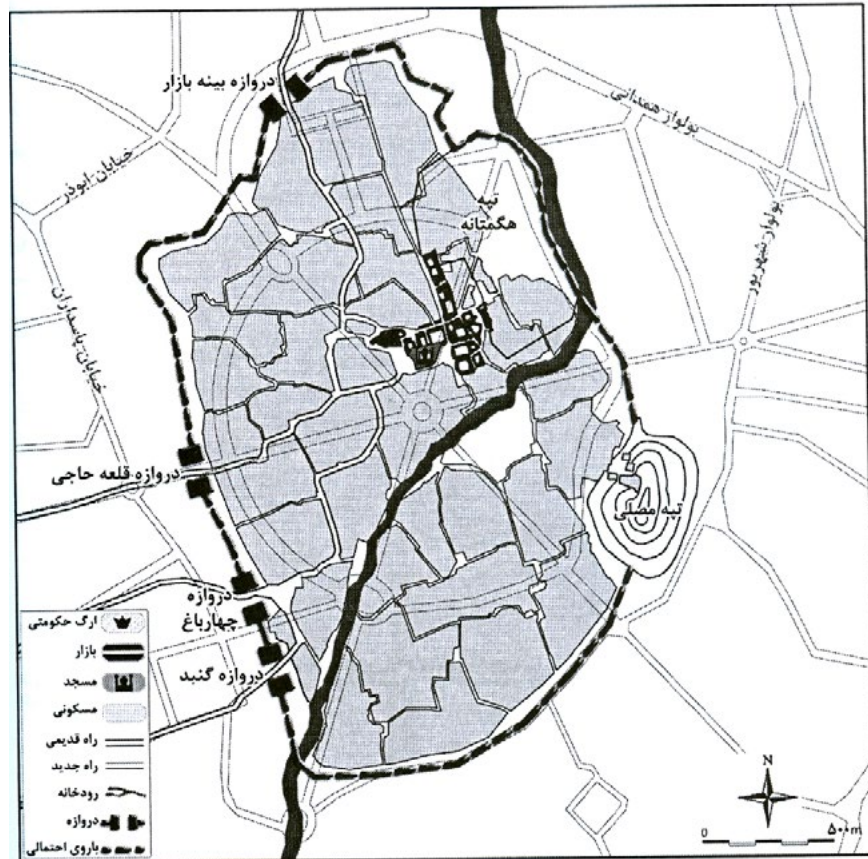
خانه‌های مردم (ربض) پیرامون آن قرار گرفته، خراب شده است. دو نکته‌ی مهم در نوشته مقدسی وجود دارد؛ یکم، از ساختمانی باستانی سخن می‌گوید که احتمالاً کهن‌تر بوده بر تپه‌ی مصلی قرار داشته است و دوم، شهر میانگاه محسوب می‌شد که احتمالاً بقایای شهر دوره‌ی پارت و ساسانی بود، که این اتفاق بر شارستان شهرهای ساسانی در دوره‌ی اسلامی رخ داده است. این رخداد بر شهر کهن اکباتان هم حادث شده است و شهر قدیم به تدریج از رونق افتاد و شهر به سوی جنوب تپه‌ی هگمتانه، مسجد جامع و بازار گسترش یافت.

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ه. ق. همدان پایتخت بویان جبال بود و از نیمه سده‌ی پنجم ه. ق. ترکمانان سلجوقیان بر آنها چیره شدند. در همین دوره است که مسجد جامع دچار حریق گردید (زارعی، ۱۳۷۷: ۸۴). همدان طی سده‌ی ششم ه. ق. پایتخت سلاجقه عراق عجم بود، طبعاً مشمول توسعه مدنی با ایجاد کوی‌ها و برزن‌های جدید، احداث قلعه‌ها، قصرها، عمارات و معابر به ویژه دارای مساجد و مقابر گردید، اما آن همه بر اثر تازش مغولان در سال‌های (۶۱۸ و ۶۲۱ ه. ق.) ویران شد. ناچار شهرکی در حومه‌ی شمالی آنجا به نام «همدان نو» پا گرفت. در عهد ایلخانان این شهر تا حدی اهمیت سابق را بازیافت (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). در این میان جغرافیانویسانی از جمله اصطخری (۱۳۶۸: ۱۶۴) همدان را شهری بزرگ، فرسنگی در یک فرسنگ با چهار دروازه‌ی آهنین ذکر نموده است، که ابن حوقل نیز، آنها اشاره کرده است همچنین ابن فقیه همدانی از چهار طاق بزرگ به عنوان فضاهایی وسیع یاد می‌کند. شهر در هر دوره و در اثر تازش‌ها دستخوش ویرانی شده، ولی ساختار اصلی برج و باروهای آن چندان هربار بازسازی شده است.

حمدا لله مستوفی (۱۳۶۲: ۷۱) در قرن هشتم ه. ق. نوشته است، جمشید پیشدادی همدان را ساخته و در آن قلعه‌ای گلین است. در میان شهر شهرستان خوانند. دارا ابن داراب ساخت. آبش گوارا و از کوه الوند و در اندرون شهر چشمه بسیار است. هم در طبقات آمده که یکهزار و ششصد و چند چشمه از آن کوه روان است و در اندرون شهر بوده است. جاری بودن آب چشمه‌ها و جوی‌های روان در شهر مؤید نکته فوق است. در طی کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه هگمتانه در نتیجه‌ی گردش آب در شهر آثار قابل توجهی یافت شده و آن جوی‌های آب در میان کوی‌ها و یا خیابان‌ها و گذرهاست.

از ویرانی‌های این شهر در یورش تیمور آگاهی‌های زیادی در دست نیست؛ چون حمله‌ی تیمور بیشتر به منظور به دست آوردن غنایم و اموال شهریان بوده است (قراگزلو: ۱۳۶۶: ۵۸۹-۵۸۸). این تازش‌های پی در پی شهر را دچار رکود در ساخت‌وساز نموده و شهرنشینان را هم وادار به محافظه‌کاری کرده است؛ آثار و شواهد این شیوه در زندگی امروزه‌ی اهل همدان به روشنی قابل درک است. تصویری که از شهر در این دوره قابل ارائه است قرارگیری شهر در دو سوی رودخانه‌ی الوسجرد با دروازه‌هایی در غرب می‌باشد (شکل ۳).

با استقرار حکومت صفوی این شهر رونق گذشته را بدست آورد، ولی همواره در برابر یورش سپاه عثمانی قرار داشت و در سده‌های ۱۱ و ۱۲ ه. ق. ویران شد. در سال ۱۰۶۵ ه. ق. اولیاء چلبی از همدان دیدار کرده و نوشته که آنجا را در زبان یونانی «دارینه» یعنی تخت‌گاه دارا می‌نامند، پیرامون شهر را خندقی که زیاد عمیق نیست فراگرفته، شهر باروهای بلند دارد و چهار دروازه‌ی شهر



► شکل ۳: نقشه‌ی شهر همدان در دوره‌ی تیموری بر روی شبکه خیابان‌کشی امروزی (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۳۷۴).

عبارتند از: دروازه‌ی قم، بیستون، درگزین و بغداد. در نقشه‌ی فوق هم چهار دروازه در شمال غربی و غرب مشخص شده که گواه این نوشته است. چندین کلیسا در آنجا وجود دارد. از جمله «نوشروانک» وی از عمارت‌های شهر، یکی «شاه‌جهان» و دیگری، «شاه‌خاندن» نام می‌برد و می‌گوید همدان شهری بازرگانی است که از سند و هند، روم و عرب و عجم به آنجا روی می‌آورند (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). اگرچه عماراتی که اولیاچلی نام برده با این اسامی فعلاً قابل شناسایی نیستند، ولی در شهر بقایای برخی کلیساها موجود است که بازسازی شده به نظر می‌رسند. درباره‌ی سایر بناها هم نام‌هاشان دگرگون شده باشد بعید به نظر نمی‌رسد. علاوه بر توصیفات فوق، نقاشی ارزشمندی از شهر توسط نصوح مطراق‌چی (۱۳۷۹: ۹۹) نقاش همراه لشکر عثمانی در دوره‌ی صفویه تهیه شده است. در این نقاشی شهر دارای برج‌ها و باروها است. نقاشی مطراق‌چی از جهات مختلف قابل بررسی است، یکم اینکه شهر در دو بخش و در دو سوی رودخانه شکل گرفته است. یکی از رودخانه‌ها از داخل شهر می‌گذرد، و از گوشه شارستان رد می‌شود. این ساختار با ساختار شهری و بقایای آثاری از دوره‌ی اشکانی تا پیش از تخریب قلعه و بقایای معبد آناهیتا که توسط آقامحمدخان قاجار تخریب شده، قابل مقایسه است؛ دوم اینکه بر روی رودخانه‌ای که در غرب و بیرون از شهر است، پلی سه دهانه قرار داشته است. این پل تا سال‌ها بعد باقی مانده و توسط سیاحان خارجی نقاشی شده است؛ سوم اینکه در نقاشی مذکور، شهر دو برج و باروی جداگانه دارد. در بخش اصلی شهر (شارستان) دو بنای بزرگ مذهبی با مناره‌های بلند وجود دارد که احتمالاً یکی از بناهای بزرگ که دو گنبد دارد، مسجد جامع شهر است. بنای دیگر که یک گنبد و دو مناره دارد، شاید مدرسه شهر



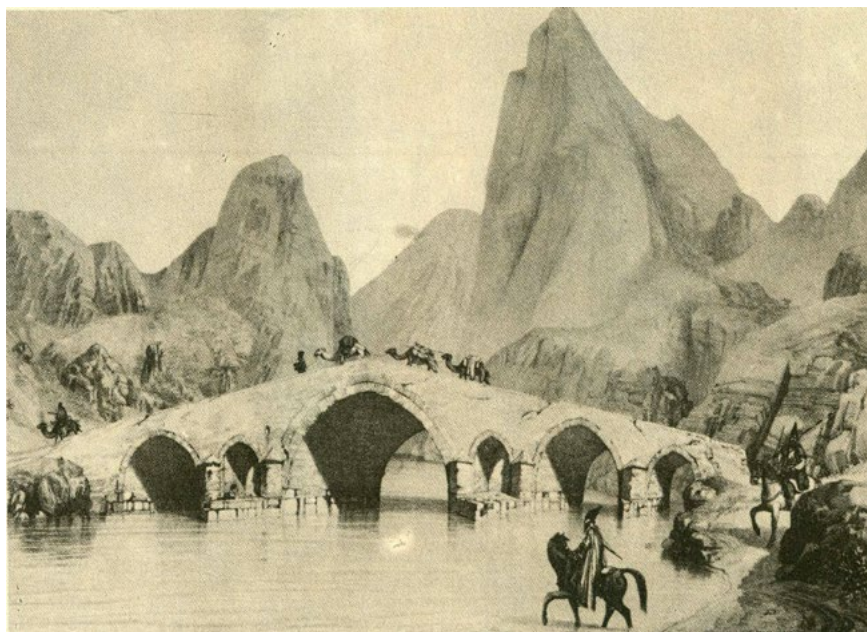
شکل ۴: نقاشی نصوح مطراق چی از شهر همدان که در دوره‌ی صفویه ترسیم شده است (مطراق چی، ۱۳۷۹: ۹۹).

باشد؛ چهارم در شارستان دو دروازه رو به روی هم ترسیم شده و علاوه بر برج‌های کوتاه متعدد، پنج برج بلند جداگانه وجود دارد. دروازه‌ها در این برج‌ها قرار دارند. دو بخش شهر از طریق یک مسیر و خیابان به هم ارتباط دارند (شکل ۴ و ۵). با استناد به تصاویر فوق، همدان در دوره‌ی صفوی بازسازی شده و مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه نقاشی کلی است، ولی بیانگر اوضاع مناسب شهری همدان است. چون همین نقاش در همین زمان، سلطانیه را آنگونه که بوده (نیمه ویران) ترسیم نموده است.

همدان در نبرد بین قاجارها، زندیه و والیان اردلان کردستان، در سال ۱۲۰۵ هـ. ق. به تسخیر آقامحمدخان قاجار درآمد. شاه قاجار پس از تسخیر شهر، قلعه‌ی قدیمی واقع بر تپه‌ی مصلی را ویران کرد. یک دهه پس از این حادثه،

► **شکل ۵:** پل قدیمی در ورودی شهر همدان، احتمالاً با پل ترسیمی در نقاشی مطراق‌چی قابل مقایسه است (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۸).

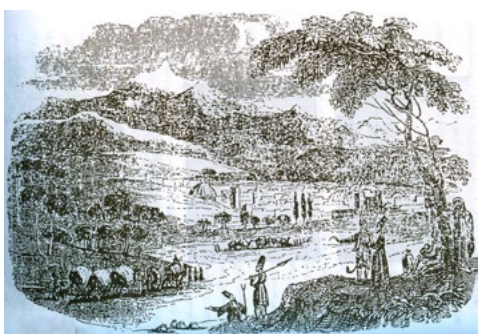
► **شکل ۶:** نمایی از شهر همدان در کروکی مربوط به دوره قاجار (باکینگهام، ۱۳۸۰: ۴۵۸).



هالینگری (۱۳۶۳: ۷۹) بافت و ساختار شهر را بسیار نامنظم با کوچه‌های بسیار تنگ و پیچ‌پیچ و کثیف، خانه‌های گلین و آجری وصف کرده است. باکینگهام (۱۳۸۰: ۴۴۹) در سال ۱۸۱۷ شهر را دیده و مدخل ورودی همدان را همانند کوچک‌ترین ورودی یک روستا وصف کرده و نوشته است که ویرانه‌ها و ساختمان‌های متروکه همه جا به چشم می‌خورد (شکل‌های ۶ تا ۹).

ساختار اصلی شهر

یکی از مستندترین مدارک تهیه شده در اواخر دوره قاجاریه که آگاهی‌های نسبتاً دقیقی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، نقشه و شرحی است که در سال ۱۸۵۱ م. توسط روس‌ها انجام شده است. این نقشه وضعیت بسیاری از بناها و ساختمان‌ها را روشن می‌کند و می‌تواند مبنای شناخت ساختار اصلی شهر همدان باشد. چون در آن اکثر بناها، محله‌ها و ساختارهای مهم شهر با دروازه‌ها مشخص شده است. این نقشه حاوی مطالعه و تجزیه و تحلیل تفصیلی شهر همدان است. براساس اطلاعات موجود در آن امکان توجه به طراحی شهر همدان فراهم آمده است. در آن ویژگی‌های طراحی شهر و به تبع آن منشأ باستانی شهر را می‌توان آشکار ساخت. از وجه خرابه‌های شهر، باقیمانده‌های دیوارهای دفاعی،



▲ **شکل ۷:** نمایی از شهر همدان در کروکی مربوط به دوره قاجار (همان: ۴۵۷).

► **شکل ۸:** نمای عمومی شهر همدان در دوره قاجار (زارعی، ۱۳۷۸: ۵۸).





شکل ۹: تصویری از شهر همدان در دوره‌ی قاچار که برج و بارو کهندژ در آن کاملاً مشخص است (آرشیو شخصی نگارنده). ◀



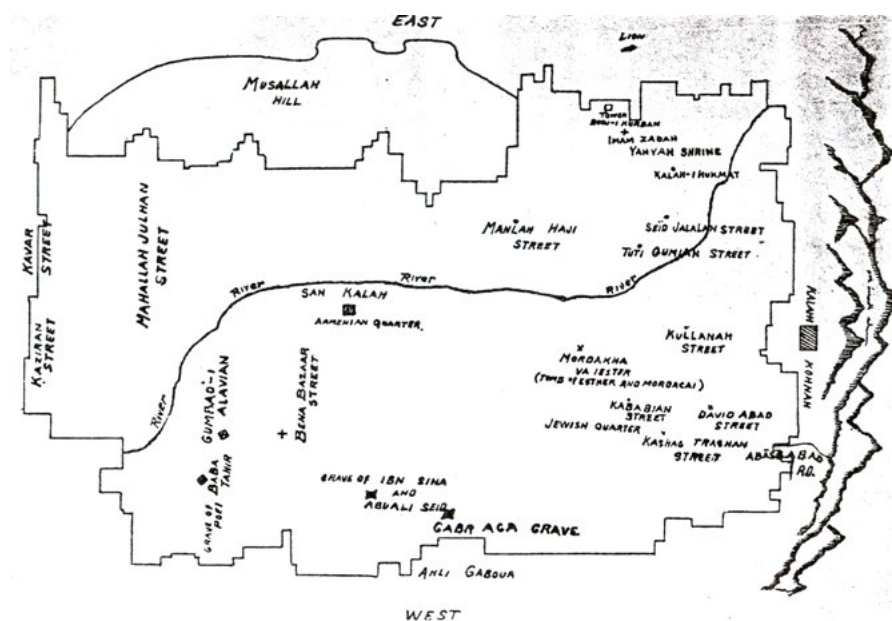
شکل ۱۰: نقشه قدیمی شهر همدان که در سال ۱۸۵۱ م. توسط روس‌ها ترسیم شده است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸). ◀

خیابان‌ها و نظام طراحی شده برای لایه‌های تاریخی را برای تدارک یک نقشه‌ی باستان‌شناسی ممکن می‌نماید. در این نقشه بخش‌های تاریخی شهر منعکس شده است. بر مبنای وجه ماهیت باستانی نظام طراحی شهری همدان حتی مقایسه آن با ساختمان‌های جدید قابل تشخیص است. در این نقشه محدوده‌ی شهر وسیع است (۴×۵/۲ کیلو متر) و جریان آب دره مرادیگ شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند (شکل ۱۰).

در توپوگرافی تاریخی شهر در گوشه‌ی شمال شرقی، آثار دیوار خشتی باستانی شهر حفظ شده و در گوشه‌ی جنوب شرقی بر روی تپه‌ای کوتاه آثار دیوارهای دفاعی بدون برج در شکل یک مستطیل ممتد با نام قلعه‌ی مصلی باقیمانده است. گفتنی است همدان مانند سایر شهرهای قرون میانی ایران به وسیله‌ی دیوارهای دفاعی محصور شده بود. ده دروازه از طریق راه‌های کاروانرو شهر را با بسیاری از شهرهای دیگر مرتبط می‌ساخت (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۳). این در

در میان سیاحانی که شهر را در این هنگام دیده بودند جکسن، امریکایی در سال ۱۹۰۷م. شهر را به گونه‌ای توصیف نموده و نوشته است که گویا متوازی الاضلاعی است که از شمال به جنوب امتداد دارد، کوه الوند در سمت جنوب قرار گرفته و مصلی یا دژ- تپه متصل به قسمت شرقی است و قسمتی از آن را تشکیل می‌دهد. شهر از نظر امور اداری به چهار ناحیه یا محله تقسیم می‌شود که هر یک را کدخدایی جداگانه است و این کدخدا در برابر حاکم شهر پاسخگو است (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۱). هرچند در هنگام نقشه‌برداری روس‌ها از ساختار سیاسی و اداری شهر همدان سخنی نگفته‌اند، ولی تقسیم‌بندی شهر براساس چهار ناحیه از اواخر دوره‌ی قاجار بوده است. اگرچه سیاحان و سفرنامه‌نویسان دیگری نیز در همین زمان یا پیش از جکسن به همدان آمده بودند، توصیفات مشابهی داشتند. ولی نکته مهم در اکثر آثار آنها در این محدوده-ی زمان، خرابی‌هایی است که بر شهر سایه گسترده بود. جیمز موریه (۱۳۶۲: ۳۰۴) هم به این خرابی‌ها اشاره می‌کند شهر زمانی پهناور بوده، ولی اینک توده‌ای از ویرانه‌های درهم و برهم است. راه‌هایی که به بخش‌های مسکونی می‌رود از میان یک رشته دیوارهای شکسته و ویرانه می‌گذرد، بخش‌های به جا مانده‌ی آنها نشان می‌دهد که پیشتر در اینجا عمارت‌هایی زیبا بوده است. به نظر می‌رسد اوضاع سیاسی اجتماعی و بحران‌های پایانی دوره‌ی قاجار ساختار شهر را دچار رکود و تخریب کرده است (شکل ۱۲).

بافت شهر همدان با این روند تا اواخر قاجار و اوایل پهلوی تداوم یافته است و اندیشه‌ی دگرگونی و تغییر در ساختار شهر، با احداث میدان اصلی با اصول شهرسازی جدید بوده است. از آغاز انقلاب مشروطه‌ی ایران در سال ۱۳۲۴ ه. ق. و برپایی انجمن ولایتی «مجلس فوائد عامه» همدان، به ویژه تأسیس بلدیه (شهرداری) در سال ۱۳۲۷ ه. ق. در این شهر پیدا شد (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). پس از این رخدادها بود که شهرداری، یک میدان با طراحی یک مهندس چرم‌ساز آلمانی به نام کال فریش را در دستور کار قرار داد و ساختار شهر را دگرگون نمود. این میدان که شش خیابان از آن جدا گردیده، به عنوان ساختار اصلی توسعه‌ی



شکل ۱۲: نقشه شهر همدان که توسط یکی از اهالی همدان ترسیم شده است (جکسن، ۱۳۶۹). ◀



▲ **شکل ۱۳:** نمایی از میدان اصلی شهر و ساختمان‌های پیرامون آن (مهندسان مشاور مرجان، ۱۳۴۸: ۳۰).

شهری در دهه‌های پس از آن تا دوره معاصر مطرح گردیده است. اگرچه احداث این میدان و خیابان‌ها آثار بارزشی از میان رفت، ولی باید اذعان نمود میدان و خیابان‌های شش‌گانه به عنوان یک یادمان از معماری دوره‌ی معاصر قلمداد می‌شود. این طراحی هوشمندانه بود و خیابان‌ها در آن‌ها سوی نقاط اصلی را رهنمون شده و تا به امروز هم محور اصلی توسعه‌ی شهری بوده است (شکل‌های ۱۳ و ۱۴).

ساختارهای مذهبی

شهرهای دوره‌ی اسلامی بر محور مساجد جامع و بازارها رشد یافته است. این امر نشانگر تغییر در رویکرد فرهنگی و آیین ساکنان قدیم و جدید شهر می‌باشد. این مسأله موجب گردید که ساختار شهرهای ایرانی پیش از اسلام در کنار خود ساختار و بافتی جدید را تجربه نمایند. این موضوع ناشی از چند عامل مهم است که فهرست‌وار به آنها اشاره می‌شود، نخست آنان، ورود مهاجران مسلمان و غیربومی و عموماً تازی به شهرها و اسکان آنها توسط حاکمیت غیرایرانی که این موضوع در ارتباط با همدان هم رخ داده است. دوم، دگرگونی در آیین و فرهنگ که خودبه‌خود بنیانی خاص و ویژه را لازم داشت که مسجد در نتیجه‌ی آن در مرکز شهر پدیدار گردید؛ سوم اگرچه شهر پیش از اسلام همدان را باید آثار و بقایای مکشوفه‌ی تپه هگمتانه قلمداد نمود، ولی بافت قدیم دوره‌ی اسلامی و کنونی همدان در حوالی مسجد جامع و بازار شکل گرفته است؛ چهارم توسعه‌ی حاشیه‌ی شارستان پیش از اسلام که نتیجه‌ی آن از رونق افتادن بخش شارستان کهن بوده است. توسعه و گسترش سواد شهر و تبدیل آن طی گذشت زمان به مرکز و هسته‌ی اصلی شهر برای همدان رخ داده است. پراکندگی و استقرار آثار تاریخی در کالبد فضایی شهر همدان نشانگر توسعه‌ی شهری است (شکل ۱۵).

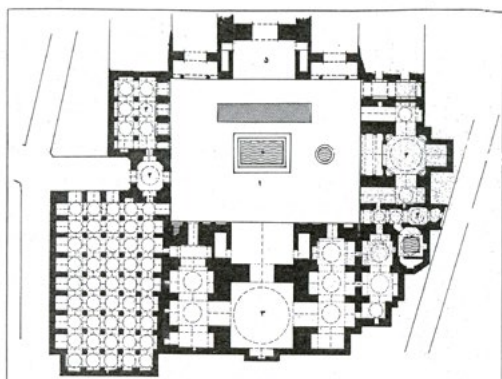
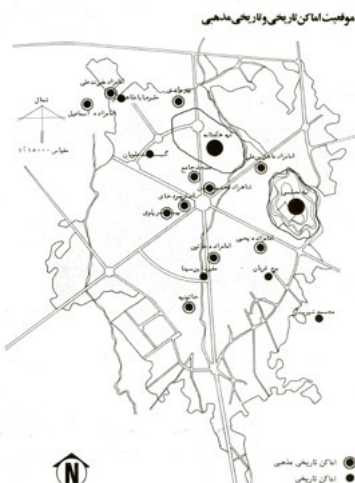
مسجد جامع همدان مهمترین بنای مذهبی شهر است که در بین بازار آن قرار داشته است. مسجد جامع همدان اگرچه امروزه ساختاری در ظاهر جدید دارد، اما بنیاد اولیه‌ی آن به سده‌های نخست دوره‌ی اسلامی بازمی‌گردد. مقدسی نخستین کسی است که به مسجد جامع بزرگ شهر همدان اشاره کرده است (لسترنج، ۱۳۶۷: ۲۱۰). این مسجد در مقطعی مورد اختلاف در نحوه‌ی اداره‌ی بین فرقه‌های حنفی و شافعی بوده و همین مسأله موجب گردیده، مسجد دچار حریق شده و قندیل‌های آن به یغما برود و ساختار آن‌ها دچار آسیب گردد (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۸)، ولی در زمان سلجوقیان مجدد احیا شده است (زارعی، ۱۳۷۹: ۸۳). با افزایش جمعیت و توجه مردم به اهمیت مسجد جامع، این مسجد گسترش یافته و نوسازی شده است. آثار موجود نشان می‌دهد این مسجد در دوره‌های صفوی و قاجار بازسازی

نامی‌باشناسی

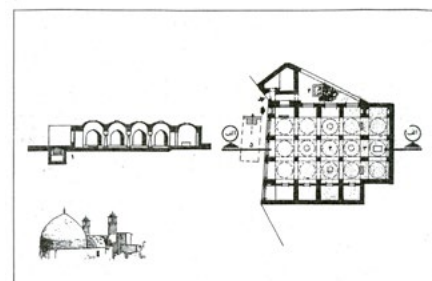


▲ **شکل ۱۴:** نقشه‌ی شهر همدان در سال ۱۳۴۰ کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۴: ۴۸۳) که در آن خیابان‌ها به طور کامل مشخص است.

شکل ۱۵: نقشه‌ی موقعیت بناهای تاریخی شهر همدان (مهندسان مشاور مرجان، ۱۳۷۴: ۲۷) ▲



شکل ۱۶: نقشه‌ی مسجد جامع همدان (بیگلری، ۲۵۳۶: ۹۳) ▲



شکل ۱۷: نقشه و برش مسجد پیغمبر در نزدیکی بازار همدان (بیگلری، ۲۵۳۶: ۹۵) ▲

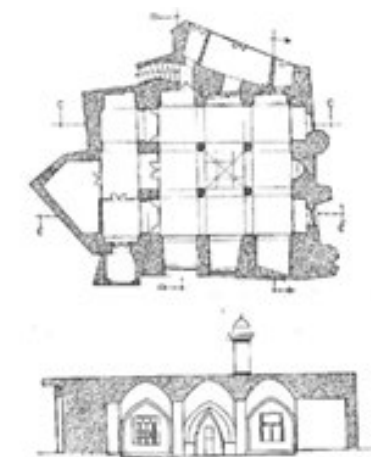
کامل شده است. در دوره‌ی معاصر هم اضافات و الحاقاتی به آن شده است (همان). این مسجد دارای طرح چهارایوانی است. اگر چه ایوان‌های آن از نظر شکل و ابعاد و اندازه با هم برابر نیستند، اما ساختار کلی مسجدهای ایرانی همچون گنبدخانه، ایوان، شبستان و حیاط مرکزی را دارد. ارتباط مسجد از طریق سه مدخل ورودی با بازار در ارتباط بوده است (شکل ۱۶).

بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد مساجد محله‌ای هم پس از دوره‌ی صفوی در محله‌های شهر ساخته شده است. در هر یک از محله‌های شهر همدان مسجدی قرار دارد. از جمله‌ی این مساجد می‌توان به مساجد حاجی، نظرییگ، شالباغان، جولان، چمن چوپانه‌ها، پیغمبر، بنه بازار، گارزان، میرزاتقی، گلپا، حاج کلبعلی و علویان اشاره نمود. نقشه‌ی این مسجدها شبستانی ستوندار هستند. مساجد محله‌ای شهر همدان اگرچه در نگاه نخست ساختاری یکسان دارند، ولی هر یک دارای ویژگی خاصی هستند (شکل ۱۷ و ۱۸).

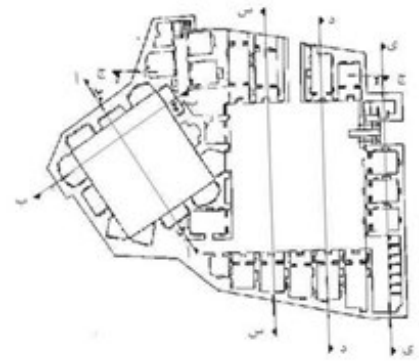
یکی دیگر از انواع بناهای مذهبی در شهرهای دوره‌ی اسلامی، مدارس هستند. اگرچه به جز بقایای دو مدرسه اثری از مدارس قدیمی‌تر در شهر همدان نمی‌یابیم. ولی این نمی‌تواند دلیلی بر عدم وجود مدرسه در این شهر باشد. در متون تاریخی به مدرسه‌ی سربرزه شهر همدان اشاره شده است (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۴۵). از مدارس قدیمی دیگر در شهر همدان مدرسه‌ی زنگنه است که بر روی محل مدرسه‌ی قدیمی عهد صفویه با همین نام بازسازی شده است. این مدرسه در روبروی آرامگاه استر و مردخای قرار دارد (مصطفوی، ۱۳۸۱: ۲۰۹). وقف‌نامه‌ای هم از این مدرسه نیز موجود است (اذکابی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

مدرسه‌ی دیگر در خیابان شهدا به مسافتی از میدان مرکزی و قدیمی شهر قرار گرفته که اساساً مدرسه قدیمی بوده، و بنای کنونی آن در حدود سال ۱۳۲۲ شمسی با استفاده از آثار باقی مانده مدرسه قدیمی (عهد قاجار) به وسیله آیت‌الله آخوند ملاعلی احیا احداث شده است (مصطفوی، همان: ۲۰۸) (شکل ۱۹).

در نقشه‌ی روس‌ها از دو مدرسه‌ی برج با شماره‌ی ۱۱۴ و دیگری مدرسه‌ای با شماره ۱۱۵ نام برده شده، اما نشانه‌های دقیق‌تری از آنها ارائه نگردیده است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۵۸). در کنار این مدرسه‌ها احتمالاً گاهی از بقاع متبرکه به عنوان محل آموزش‌های علوم دینی و عرفانی استفاده شده است (شکل ۲۰).



شکل ۱۸: نقشه و برش مسجد میرزاتقی در شرق خیابان تختی همدان (زارعی، ۱۳۷۶: ۲۳۴) ▲

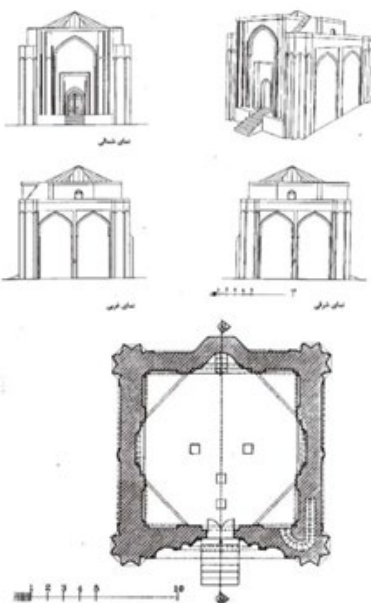


▲ شکل ۱۹: نقشه‌ی مدرسه‌ی آخوند ملاعلی همدانی (زارعی، ۱۳۷۶).

شکل ۲۰: موقعیت مدرسه‌های شهر همدان در نقشه‌ی سال ۱۸۵۱ م. با شماره‌های ۱۱۴ و ۱۱۵ مشخص شده است (مهریار و دیگران، همان). ◀

آرامگاه‌ها: حضور وابستگان دینی و حکومتی نقش مهمی در شکل‌گیری آرامگاه‌های همدان داشته است. اذکایی در بحث مزارات همدان (۱۳۸۰: ۳۱۱-۲۶۵) نوشته است که مزارات از دیرباز آرامگاه‌های رجال بزرگ دینی، عارفان و صالحان و زاهدان یا به اصطلاح اولیا بوده که عموماً متبرک به شمار آمده یا جنبه‌ی تقدس و تیمن پیدا کرده‌اند و از عهد صفویه (سده‌ی دهم هجری قمری) به بعد اکثراً به نام «امامزاده» اشتهاار یافته‌اند که به جز حسب اعتقاد عوام نمی‌توان ایشان را «امامزاده» دانست. به هر روی، مزارها و آرامگاه‌های همدان طی دوران اسلامی با نام بسیاری از رجال برجسته دین و عرفان همبر گردیده که اینک فقط در متون تاریخی و تذکره‌ها یا کتب اسفار و مسالک مذکور، به ویژه پس از ویرانگری‌های مغولان از سده‌ی هفتم تا سده‌ی دوازدهم توسط قوای عثمانی، نام و آوازه و آرامگاه و سنگ گورهاشان یکسره از میان رفته است. آنچه اکنون برجاست از آن مشاهیر غیر قابل تردید است، باقی هم که به اسم «امامزاده» معروفند، غالباً محل «تردید» می‌باشند (اذکایی، همان: ۳۶۶). حمدالله مستوفی (۱۳۸۱: ۷۱) در قرن هشتم ه. ق. نوشته است مردم همدان معتزله و مشبهه‌اند و در آن شهر مزارات متبرکه مثل قبر خواجه حافظ ابوالعلا همدانی و باباطاهر دیوانه و شیخ عین‌القضات و غیره بسیار است. اولیا چلبی هم ذکر می‌کند از امامزاده‌ها به جز ذکر مقبره سرداران اسلامی نیارده است (اذکایی، همان: ۳۶۶). گنبد علویان از مقابر پیش از دوره‌ی صفویه است و ساختمانی شکوهمند دارد که از دید اولیا چلبی دور مانده است راوندی هم به مزارات اشاره نموده که هیچیک از آنها مطابق با نام‌هایی نیست که امروزه تحت عناوین مختلف یاد می‌شود. امروزه این نام‌ها بر بسیاری از بناهایی که برای مردم شناخته شده، ذکر شده است. از جمله در سال ۱۸۵۱ م. در نقشه‌ی ترسیمی روس‌ها به یازده زیارتگاه اشاره گردیده قرار

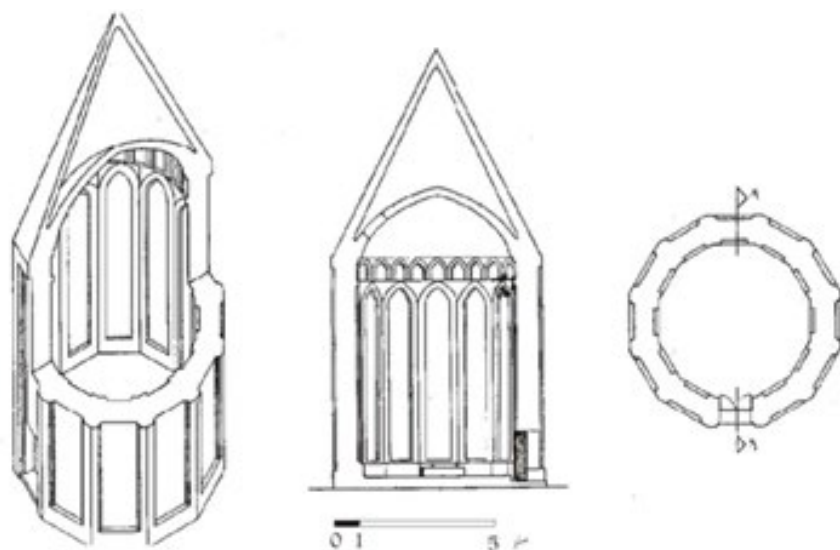
نامی‌باشتمانی (۷۱)



▲ شکل ۲۱: نقشه، پرسپکتیو و نماهای گنبد علویان همدان (زارعی، ۱۳۷۶).

زیر است: امامزاده حارث‌بن‌علی، مقبره‌ی پیر باباطاهر، امامزاده اسماعیل، امامزاده عبدالله، امامزاده بابا علی‌نومو، امامزاده زبیده خاتون، امامزاده یحیی، امامزاده تازه و زیارتگاه‌های دیگر (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸، ۱۵۸). مصطفوی (۱۳۸۱: ۲۴۷-۲۱۱) به بیست امامزاده و مزار متبرکه اشاره کرده است. برخی از این نام‌ها با فهرست زیارتگاه‌های درج شده در نقشه‌ی روس‌ها به جز امامزاده کوه و امامزاده قاسم مطابقت دارد.

آرامگاه‌های شهر همدان را می‌توان به دو گروه زیارتی و غیرزیارتی تقسیم نمود. پراکندگی این بناها طوری است که عموماً در حاشیه‌ی هسته‌ی تاریخی شهر قرار دارند. در این باره، این پرسش پیش رو است که آیا این آرامگاه‌ها در جای گورستان‌های شهر قرار داشته و توسعه شهری آنها را فراگرفته است یا نه؟ به نظر می‌رسد اکثر آرامگاه‌هایی که در حاشیه‌ی هسته‌ی اصلی شهر قرار گرفته‌اند این انگاره را تقویت می‌کند جایگاه و مکان اصلی آنها گورستان بوده و بعدها بناهایی بر آنهاایی که مورد توجه و تکریم مردم بود ساخته شد. با بررسی نقشه‌ی همدان، شهر دارای گورستان‌هایی بوده است. مقابری همچون باباطاهر، امامزاده عبدالله، امامزاده اسماعیل و عین‌القضات در گورستان بخش شمال غربی شهر همدان قرار داشتند که بقایای آن هنوز هم در اطراف میدان فلسطین دیده می‌شود. در هر بخش شهر گورستانی وجود داشته است. براساس گزارش نقشه‌ی روس‌ها در سال ۱۸۵۱ م. بخش عمده‌ای از شهر همدان به گورستان اختصاص



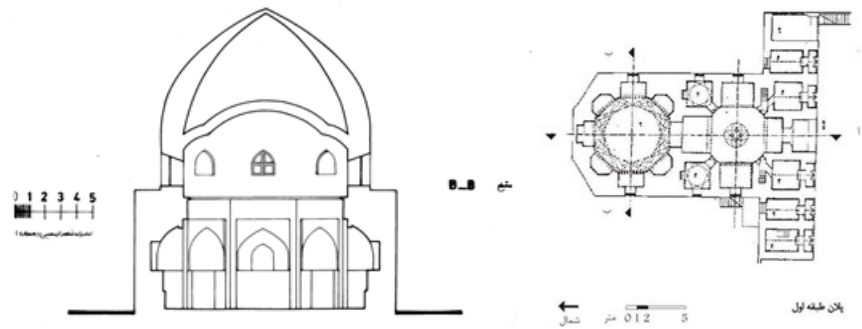
شکل ۲۲: نقشه، برش و پرسپکتیو برشی
برج قربان (زارعی، ۱۳۷۶). ◀

یافته است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۵). یکی از آرامگاه‌های قدیمی شهر همدان گنبد علویان است. احتمالاً تعدادی از بزرگان و رؤسای سادات حسنی همدان در آن مدفون شده‌اند. کارکرد آغازین آن خانقاه یا عبادتگاه بوده است (شکل، ۲۱).

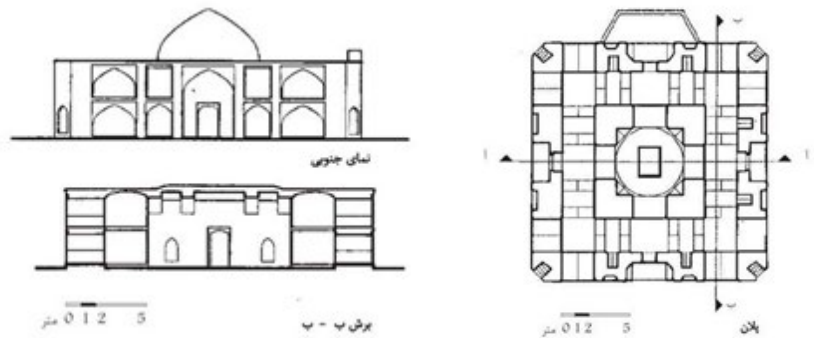
برج قربان مقبره‌ی حافظ ابوالعلاء است. بنای آن در عصر سلجوقی ساخته شده است و به شکل یک مقبره‌ای چند وجهی است (شکل، ۲۲).

امامزاده حسین در مرکز شهر قرار دارد. احتمالاً این مکان مدرسه‌ای از دوره‌ی سلجوقی بود و یکی از بزرگان سلجوقی در آن مدفون شده است و در دوره‌ی صفوی بنایی بر آرامگاه شخصی با نام شاهزاده حسین (ع) ساخته شده است. به همین دلیل بعید است مکان این ساختمان در زمهره‌ی امامزاده یحیی در مرکز محله‌ی

► **شکل ۲۳:** نقشه و برش‌های عرضی امامزاده حسین(ع) همدان (زارعی، ۱۳۷۶).

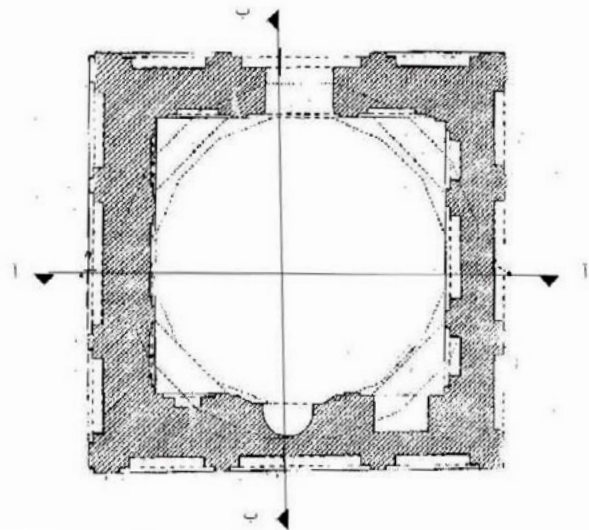


► **شکل ۲۴:** نقشه، برش و نمای اصلی امامزاده یحیی در همدان(زارعی، ۱۳۷۵: ۸۷).

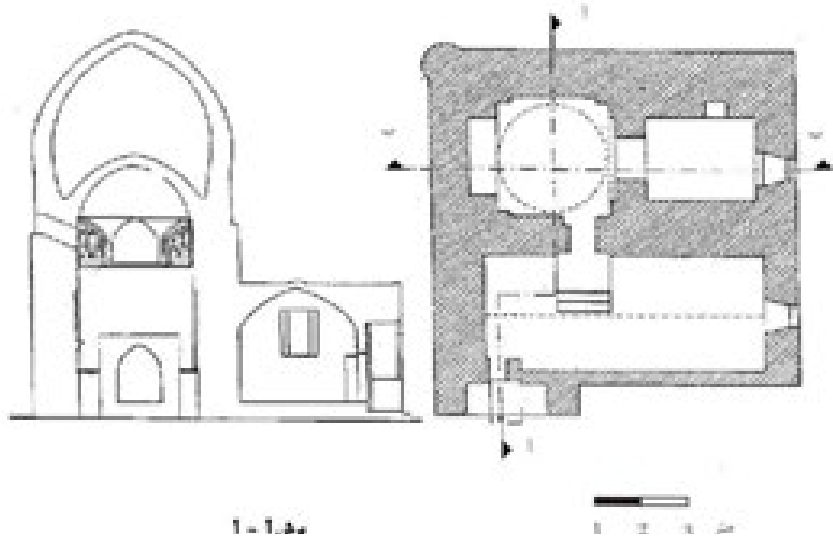


نامی باستانی ۷۳

► **شکل ۲۵:** نقشه‌ی فرزند علی در محوطه‌ی آرامگاه باباطاهر(زارعی، ۱۳۷۶: ۲۷۶).



► **شکل ۲۶:** نقشه و برش مقبره استر و مردخای همدان(زارعی، ۱۳۷۶: ۲۸۷).



امامزاده قرار دارد. این بنا دارای یک گنبدخانه و دالانی طوافدار در پیرامون آن است، شواهد نشان می‌دهد مبنای این امامزاده احتمالاً از آثار دوره‌ی صفویه باشد (زارعی، ۱۳۷۵: ۹۱) که در عصر قاجار هم تغییراتی در آن ایجاد شده است (شکل، ۲۵). از آرامگاه‌های دیگری همچون اهل ابن علی، فرزند علی و بقعه استر و مردخای هم باید نام برد (شکل‌های ۲۴ تا ۲۶).

بازار ساختار اقتصادی

همدان بازاری بزرگ دارد. یکی از علل پیدایش و تداوم زیستگاهی شهر همدان، واقع شدن در مسیر شاهراه تجاری غرب به شرق است. در گذشته از طریق این شاهراه بزرگ سرزمین‌های جلگه‌ی میانرودان به فلات مرتفع ایران مرتبط می‌گردید. اصطخری (۱۳۶۸: ۱۶۳) درباره‌ی راه‌های منشعب از همدان در سده‌های پنجم و ششم ه. ش. اشارات دقیقی به مسافت بین شهرهای پیرامونی نموده است. نخستین کسی که از بازار همدان سخن گفته مقدسی است که در قرن چهارم ه. ش. از سه ردیف بازار شهر که مسجد جامع در میان آنها قرار داشته و از قیمت‌های ارزان در همدان و به ویژه انواع کالاهای بازرگانی از قبیل زعفران رودآور که یکی از اعمال همدان است، یاد می‌کند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۱۰). هرچند همدان در این دوره رونق اقتصادی مناسبی داشته، ولی اهمیت سیاسی و نظامی برجسته‌ای نداشته است (بارتولد، ۱۳۶۴: ۱۵۶). اگرچه یاقوت از همدان یاد نموده ولیکن از بازار آن نامی نبرده و اما یک سده پس از یاقوت، حمدالله مستوفی قزوینی (۱۳۸۱: ۱۱۵) نوشته است که بازار زرگرانش بر زمین دیده بوده است. با وجودی که همدان دوره‌های انحطاط موقتی را در خود دیده، تا به امروز اهمیت مرکز تجارتی و صنعتی خود را از دست نداده است.

بازار همدان در دوره‌ی صفوی از رونق برخوردار بود و همانند بازارهای ایرانی مسقف بوده است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۰). در اوایل قرن نوزدهم، ویلیام هالینگبری (۱۳۶۳: ۷۹) از وضعیت مناسب بازارهای همدان نسبت به خانه‌های مردم یاد کرده و نوشته است طبق معمول سرپوشیده است. به طور کلی چرم بسیار زیاد در همدان تولید می‌شود و این شهر تقریباً تمامی چرم مورد نیاز ایران را عرضه می‌کند. در نقشه‌ی روس‌ها از وضعیت بازار و نام راسته‌ها و کاروانسراها اطلاعات خوبی ثبت شده است. ساختار طراحی مرکز شهر، بیست راسته بازار وجود دارد که بنابر ترکیب حجم فضایی میدان‌های عمده را تشکیل می‌دهد. در تمامی بازارهای شهر بیش از چهارصد مغازه با عملکردهای مختلف همراه با کارگاه‌های جنبی وجود دارد که توان بالقوه‌ی اقتصادی صنعتی شهر محسوب می‌شود. انواع غرفه‌های سرپوشیده و روباز بازارها به مثابه‌ی حلقه‌های مهم اتصال‌دهنده‌ی بناهای عمومی شهر و مذهبی به یکدیگر هستند (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۴). علاوه بر راسته‌ی بازارها در مجموعه‌ی بازار از بیست کاروانسرا نام برده شده که فقط چهار مورد از آنها را ثبت شده است که عبارتند از: ۱. کاروانسرای بک، ۲. کاروانسرای میرزا بوتازو، ۳. کاروانسرای اوستا علیرضا و ۴. کاروانسرای مصطفی خان. انبار کالاهای و فروش کلی در کاروانسراها بوده است (مهریار و دیگران، همان: ۱۸۸). لرد کرزن در اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی و هائری بایندر و جکسن آمریکایی در سال ۱۹۰۷ میلادی که همدان را شهر دباغ‌خانه‌ها معرفی نموده‌اند. هوگو گروته هم در سال ۱۹۰۷ م. از ساخت کاروانسراهایی در جنب بازار همدان در همان سال‌ها یاد نموده‌است و معتقد بوده که این کاروانسراها موجبات رونق بازرگانی مدرن را

فراهم آورده است (زارعی، ۱۳۸۷: ۵۵).

همدان که مهم‌ترین شهر مرکزی غرب ایران بود، همیشه برای تجارت این صفحات با ممالک غربی، مرکز انبار کردن مال‌التجاره بوده است. مال‌التجاره‌هایی را که به تبریز و از آن به سوی دریای سیاه و طرابوزان حمل می‌شد به همدان می‌آوردند و پس از آنکه تجارت انگلیس از راه بصره و بغداد رو به ترقی گذاشت، از این رو تجار شهر هم مال‌التجاره‌هایی را که برای ایالات جنوب غربی ایران اختصاص یافته بود به همدان می‌آوردند (بارتولد، ۱۳۶۴: ۱۵۶). بازار وسیع و با رونق همدان از مال‌التجاره‌ی انگلیسی و هندی مملو بوده است و کاروان‌هایی که حامل مال‌التجاره مزبور هستند از همدان به تهران و از طریق آوه به رشت می‌رفتند. بازارهای همدان اکثریت کلیمی‌های بغدادی بودند (همان). بازار محور اصلی و مرکز اقتصادی شهر همدان بوده و انبارهای مهم، مراکز تولیدی، مراکز توزیع کالاهای گوناگون و مبادلات پولی در آن جای داشته است. بازار همدان پیش از احداث میدان و خیابان‌های آن، به ویژه شورین، اکباتان و باباطاهر از بافتی منسجم و به هم پیوسته برخوردار بود و وسعت قابل توجهی از بافت شهر آنرا به خود اختصاص داده بود (شکل‌های ۲۷ و ۲۸).



► شکل ۲۷: موقعیت کاروانسراها و بازار شهر همدان پیش از احداث خیابان‌ها (بیگلری، ۲۵۳۶: ۵۳).

► شکل ۲۸: موقعیت بازار و کاروانسراهای شهر همدان پس از احداث میدان و خیابان‌ها (بیگلری، ۲۵۳۶: ۷۱).

فضاهای حکومتی (قلعه‌ها)

بخش مهمی از ساختار هر شهر به ساختمان‌هایی برای اداره‌ی امور آن شهر اختصاص می‌یافته که در گذشته آنها را کهنه‌دژ یا ارگ می‌گفته‌اند. برخی مواقع براساس اهمیت شهر، شکل، ساختار ابعاد و اندازه و کارکرد این ساختمان‌ها متفاوت بوده است. از بناهای حکومتی پیش از اسلام به جز تپه‌ی مصلی که به دژ مصلی هم معروف بوده است، آثاری که تا شصت سال پیش باقی نمانده بود. جکسن به دیوارهای تپه‌ی مصلی که آقامحمدخان آنها را تخریب کرده، اشاره نموده است. مصالح و دیوار از خاک رس و آجر و قلوه‌سنگ بوده و این دیوار به شکل متوازی‌الاضلاع که به سوی شمال شرقی و جنوب کشیده شده بود و در میان آنها جای تخته‌سنگ‌هایی که از زیر طبقات نرم خاک رس بیرون آمده مشخص بوده است (جکسن، همان: ۱۷۸). از قلعه‌ها که مراکز نظامی و اداری شهر همدان در دوره‌ی اسلامی بوده باشد، در گوشه و کنار نام‌ها و آثار مخروبه‌ای بر جای مانده بوده که با گسترش شهر نابود شد.

شهر همدان تا پایان عصر سلجوقی یک مرکز مهم سیاسی اداری بود و به عنوان یک مقر حکومتی تابستانی برای حاکمان سلجوقی مطرح بود. راوندی (۱۳۶۴: ۲۴۳، ۲۴۵ و ۲۵۵) بارها به کوشک کهن و کوشک نو محل استقرار شاهان سلجوقی در همدان اشاره نموده است. از جمله‌ی آنها می‌توان به طغرل، فرزند ارسلان، سلیمان و قزل ارسلان اشاره کرد که در کوشک‌های کهن و نو همدان حکومت نموده‌اند. بنابراین شهر همدان در دوره‌ی سلاجقه و پیش از آن به دلیل حضور علاءالدوله‌ها دارای کوشک‌های متعدد بوده است (راوندی، همان: ۴۱-۴۰). پس از یورش مغول، همدان هیچگاه رونق گذشته را نیافت و تا پایان عصر حاضر جزء شهرهای حاکم‌نشین بوده و از یک مرکز ایالت هم کوچکتر و کم‌اهمیت‌تر است و قلعه‌های مورد استفاده در دوره‌ی قاجار نیز موید این مسأله است.

در نقشه‌ی سال ۱۸۵۱ م. از ساختمان‌های حکومتی و چند قلعه در شهر همدان یاد شده است. قلعه‌ی کهنه‌ای در آنجا وجود دارد. این یادمان‌های باستانی تاریخ معماری، اطلاعاتی غنی را در باب شهر، بناهای وابسته به استحکامات و ویژگی‌های طراحی توسعه‌ی محدوده شهر به دست می‌دهد. در بخش جنوب غربی شهر استحکامات قلعه‌ی حاجی‌عباس و قلعه‌ی شاهزاده بهمن‌میرزای قاجار وجود داشته، استحکامات قلعه‌ی حاجی‌عباس چون منطقه‌ی کوچکی را اشغال کرده و وابسته به بناهای شهر نیست، به احتمال زیاد یک کاخ بوده است، قلعه‌ی شاهزاده بهمن‌میرزا براساس تمامی قواعد هنر نظامی زمان خود، ساخته شده مستطیل‌شکل با ابعاد ۴۷۰×۲۱۳ متر است و به برج‌های متعددی بخش شده که به سمت شمال و جنوب نظر دارد. دیوارهای شرقی و غربی دارای برج‌های کمتری است و دروازه‌های آن مجهز به برج است (شکل ۲۹ و ۳۰).

ساختار طراحی قلعه‌ی شاهزاده بهمن‌میرزا بیانگر روش سنتی معماری است که بر مبنای ساخت استحکامات جدید و محدوده‌ی سکونت شاه به کار می‌رفته است. یک میدان با دو قصر متعلق به بهمن‌میرزا در بخش مرکزی این قلعه قرار دارد. یک باغ بزرگ که طرح منظم دارد به همراه کوچه‌ها، باغچه‌ها، حوض‌ها و کلاه‌فرنگی‌ها که به صورت قرینه با یکدیگر قرار گرفته‌اند، بقیه‌ی حومه‌ی شهر را تزیین می‌کند. این نوع باغ‌سازی، سبک باغ‌سازی، قاجاری است که براساس نوع ترکیب، معماری با فضای سبز ابعاد کوچک آنها، عظیم و باشکوه جلوه



►▲ شکل ۲۹ و ۳۰: موقعیت قلعه‌ی تپه‌ی مصلی و قلعه‌ی کهنه‌ی همدان در نقشه‌ی سال ۱۸۵۱ م. روس‌ها (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸).

می‌کرده و به این ترتیب معماری، تصویر غنی‌شده‌ای از تخیل را در فضای باز خلق می‌نماید (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۵). برخلاف قلعه، کاخ شاهزاده بهمن‌میرزا در حوزہ‌ی نفوذ مرکز شهر قرار دارد و متقابلاً جایی را در ترکیب یکی از مراکز کوچک محله‌های شهر اشغال نموده است که در مرکز آن غرفه‌ها و مسجد چشمه‌ی کوهیان قرار دارد. عمارت کلاه‌فرنگی نیز نوعی ساختمان جدید است که نمونه‌های آن در تبریز، اصفهان، تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران گسترش یافته است.

شاید بتوان قلعه‌هایی که تا پایان دوره قاجار باقی مانده به عنوان آثار باسازی شده و جایگزین کهنه‌ترین کهنه‌ترین محسوب نمود؛ مانند قلعه‌ی کهنه‌ای که در محل قدیمی آن اکنون تأسیسات وسیعی چون ژاندارمری، هنرستان، بخش‌هایی از اداره‌ی غله، دبیرستان امام، ورزشگاه قدس، ندامتگاه، بیمارستان روانی و برخی تأسیسات دولتی بنا شد این قلعه در دوره‌ی قاجار و اوایل دوره‌ی پهلوی محل استقرار قشون و برخی بخش‌های حکومتی بوده است (قدکچی، ۱۳۸۷: ۳۷). جکسن (۱۳۶۹: ۱۸۵) معتقد است که به احتمال قوی این قلعه بسیار قدیم‌تر از برج قریان و گنبد علویان است. این قلعه از نظر مقیاس بسیار بزرگ بوده و می‌توان آن را پس از تپه‌ی مصلی مهم‌ترین بنای شهر محسوب نمود (شکل ۳۱).

قلعه‌ی بهمن‌میرزا در کنار رودخانه‌ی الوسجرد بین خیابان بوعلی و کوچه‌ی



► شکل ۳۱: نقشه و موقعیت قلعه‌ی کهنه در شهر همدان در سال ۱۳۳۵ ش. (مصطفوی، ۱۳۸۱).

ذوالریاستین قرار داشته و به عنوان کهن‌دژ در دوره‌ی قاجار مرکز حکومت بهمن‌میرزا از نوادگان فتح‌علی‌شاه قاجار، حاکم همدان بوده است. قلعه‌ی کاظم‌خان بین خیابان آزاد و بوعلی قرار داشته و اکنون هیچ اثری از آن وجود ندارد. قلعه‌ی حاج‌عباس در بین محله‌ی ورمزیار و اراضی مختاران در قسمتی از آن در کنار خیابان پاسداران (کرمانشاه) حسینی‌ی امام ساخته شده و مخروبه‌ی باروها و قسمت‌هایی از حصار آن کم و بیش وجود دارد (قدکچی، همان). به نظر می‌رسد قلعه‌های شهر دارای عملکردی در ارتباط با اداره‌ی شهر و زیر نظر یک حاکم در دوره‌ی قاجار که از او با نام بهمن‌میرزا یاد شده، بوده است.

در مورد اینکه آیا این قلعه‌ها ویژگی کهن‌دژ در شهرهای مراکز ایالت را داشته‌اند یا نه، نمی‌توان نظر قطعی داد، زیرا حوادث گوناگون تاریخی و تغییرات اجتماعی در طول تاریخ شهر و دست به دست شدن حکومت‌ها و یورش اقوام داخلی و خارجی در تغییر ساختار و نحوه‌ی کاربری آنها دگرگونی‌های زیادی به وجود آورده است. درباره‌ی قلعه‌ی کهنه و یا قلعه‌ی بهمن‌میرزا با توجه به قدمت و نقش حکومتی بهمن‌میرزا می‌توان با اطمینان بیشتری نظر داد (قدکچی، همان: ۳۸). وجود قلعه‌های کاظم‌خان، قلعه‌ی حاج‌عباس و قلعه‌ی سبزی نشانگر این است که در این قلعه‌ها هر یک از بخش‌های چندگانه‌ی شهر اداره می‌شد. این روش زیر نظر حاکمیت مرکزی قلعه‌ی حکومتی بهمن‌میرزا و پیش از آن در تپه‌ی مصلی بوده است. ظاهراً این شیوه در همدان با توجه به ارتباط روستاها و حضور عشایر در پیرامون شهر تا حدودی معقول به نظر می‌رسید؛ چراکه مالکان غالباً در شهرها ساکن می‌شدند و علاوه بر قلعه‌هایی که به نام خود در روستاها داشتند و یا به ارث می‌بردند، در شهرها نیز مالک قلعه‌های اربابی بودند. وضعیت نهاد حکومتی شهر همدان مانند دیگر شهرها بستگی به موقعیت شهر در سازمان اداری و تقسیمات کشوری داشت و مقام و موقعیت حاکم و دایره‌ی نفوذ آن را حکومت مرکزی معین می‌کرد. همدان در طول تاریخ، زمانی مرکز ایالت بود و حکام محلی تحت نظر والیان ایالتی همدان انجام وظیفه می‌کردند و به ندرت به عنوان حکومت تحت نظر والی ایالت دیگری بودند (قدکچی، همان: ۴۰). البته تا پیش از عصر حاضر احتمالاً چنین وضعیتی بر ساختار حکومتی شهر همدان حاکم بوده است.

در دوره‌ی صفوی و قاجار چنین موضوعی در سازمان‌های سیاسی و اداری دوره صفوی وجود نداشته است. در همین دوره موقعیت شهر با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی - اجتماعی تنزل یافت و در حد حاکمیت شهری و توسط حاکم اداره می‌شد. این وضعیت تا دوره‌ی پهلوی اول ادامه داشت. این مسأله حتی در زمان بازدید جکسن شهر به محله‌ها و یا بخش‌هایی تقسیم شده بود که قلعه‌های مختلف در بخش‌های شهر گواه این مدعاست و قلعه‌ای هم به عنوان مرکز حکومت وجود داشته که بر رؤسای قلعه‌های بخش‌های چندگانه سیطره و حاکمیت داشته است.

ساختار مسکونی

همدان از زمان شکل‌گیری یک مرکز سیاسی، اداری و تجاری - اقتصادی مهم محسوب می‌شده است. این عوامل در پدید آمدن مرکزی با جمعیتی قابل توجه تاثیرگذار بوده است. حرفه‌ها، اعتقادات و مسائل قومی - قبیله‌ای در ایجاد محله‌ها نقش مهمی ایفا می‌کردند. آنچه که درباره‌ی محله‌های شهر همدان نوشته

شده و موجود است، بیشتر مربوط به نوشته‌ها و مدارک دوره‌ی قاجار است. تا پیش از پژوهش‌های دوره‌ی معاصر همچون مطالعات طرح تفصیلی و جامع، شش محله برای شهر همدان در نقشه‌ی روس‌ها ثبت شده بود. تمام محدوده‌ی شهر همدان در سال ۱۸۵۱ م. به شش محله‌ی بنه‌ی بازار، جولان، مهتران، محله‌ی ورمزیار و درودآباد تقسیم شده بود. حدود ۹۵۰۰ خانه در این محله‌ها وجود داشته است. براساس اطلاعات سال ۱۸۵۱ م. جمعیت شهر ۴۰۰۰۰ نفر بوده است. بخش اعظم محدوده‌ی شهر که از شمال غربی به جنوب شرقی بسط یافته به منطقه‌ی مسکونی تعلق داشت که دارای مرکز اجتماعی کوچک، ولی با اهمیت محلی بود (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۴). در کنار این محلات بناهای مذهبی، اداری، تجاری-اقتصادی قرار داشته است. در نخستین مطالعه‌ی شهر توسط مشاور کندلیس، تعداد ۴۲ محله با حدود و مرکز محله‌ی مشخص شناسایی و این فهرست چهل دوگانه در بازارهای ایران منعکس بیگلری (۲۵۳۶: ۵۸-۵۷) شد. با توجه به اسامی محله‌ها تا حدودی مکان‌یابی هر یک از آنها مشخص می‌گردد. هر یک از این محله‌ها دارای مرکزی با میدانی نسبتاً کوچک است که در پیرامونش حمام، مسجد محله‌ای، بازارچه و خانه‌ی بزرگ محله و بقیه خانه‌های مردم قرار دارد.

نقشه‌ی مرکز محله‌ها برحسب قرارگیری فضاهای پیرامونی در شکل‌های گوناگون ایجاد شده است. شکل‌گیری مرکز محله‌ها علاوه بر موارد فوق، تأکید بر مسأله اجتماعی، میدان‌ها یا مرکز محله و بناهایی متناسب با محله مسکونی به شمار می‌آیند و در عین حال مرکزیتی برای معماری محله هستند و حجمی از فضا را وجود آورده‌اند. مجموعه‌ی بناهای هر مرکز محله‌ی ویژگی‌های خاص خود را دارد، دارای عملکردهای زیباشناسانه بوده و هر یک طرز تلقی منفرد خود را نسبت به نظام و ساختار کل شهر معرفی می‌نماید. نقطه ثقل مرکز محله‌های کوچک به سوی مرکز شهر است که منشأ خود را از دروازه‌ی ورمزیار و دروازه‌ی قلعه‌ی حاجی‌عباس در جنوب غربی گرفته و حدود دو کیلومتر تا انتهای شمال غربی شهر امتداد می‌دهد. این مرکز تجاری شهر دارای ترکیب طراحی معماری پیچیده است (مهریار، همان: ۵۴). منشأ این شیوه‌ی ساختار مرکز شهر دقیقاً به توسعه در سده‌های گذشته و سنت‌های طراحی شهری در محدوده‌ی شهر باستانی باز می‌گردد (شکل ۳۲).

جمعیت محله‌های شهر همدان در سال ۱۸۵۱ م. ۴۰۰۰۰ هزار نفر بوده است. با اندکی اختلاف به لحاظ زمانی در سال ۱۲۵۰ ه. ق. شمار خانه‌های همدان ۱۲۰۰۰ باب، با ۱۸۰۰ چشمه‌ی روان در کوی‌ها و خانه‌ها و نواحی معموره‌ی گزارش گردیده است (اذکابی، ۱۳۸۰: ۱۷۱)؛ در حالی که در سال ۱۹۰۷ م. جمعیت همدان را جکسن ۲۵ هزار نفر تخمین زده و نوشته است که در میان سکنه‌ی شهر، عده‌ی ارمنی وجود دارند که نزدیک به ۳۰۰ تن از آنان محله‌ی مخصوص در شهر دارند. در قسمت جنوبی همدان، محله یهودیان قرار دارد و عده‌ی یهودیان این شهر را ۵۰۰۰ تن تخمین زده‌اند (جکسن، همان: ۱۶۷). به نظر می‌رسد همدان یا با کاهش جمعیت رو به رو شده یا اینکه آمارهای ارائه شده اشتباه بوده است، البته ممکن است آمارهای ارائه شده تقریبی بوده باشد.

نتیجه‌گیری

اگرچه توصیف جغرافیایان و نویسندگان از معماری و شهرسازی همدان کامل نبوده است، ولی همه اذعان نموده‌اند که همدان باغ‌ها و چشمه‌سارها و جویبارهایی داشته



شکل ۳۲: موقعیت محله‌های شهر همدان (کندلیس، ۱۹۷۳: ۱۴۹). ◀

است. بقایای جوی‌های آب در خیابان‌های شهر مکشوفه، یادآور جریان آب و زندگی در شهر بوده است. این جویبارها در پر کردن آب‌نماها، ایجاد باغ‌ها، باغچه‌ها و بهره‌برداری از آنها بوده و شهر را به بیشه‌زار تبدیل نموده است. توجه و اهمیت باغ در نزد مردم همدان و باغ‌های پیرامون شهر امروزه گواه این مدعاست. بنابراین، همدان به لطف طبیعت از دیرباز تا امروز به حیات خود ادامه داده و به شهری بزرگ (کلان‌شهر) تبدیل شده است. کوه الوند تکیه‌گاه و نمادی پایدار برای مکان‌یابی است. کوه الوند سرچشمه‌ی همه چشمه‌ها و رودخانه‌های شهر می‌باشد.

ویژگی‌های طبیعی و موقعیت مناسب همدان در مسیر راه‌های غرب کشور موجب شده تا همدان به عنوان شهری مهم در میان شهرهای غربی ایران باشد و جایگاهی خاص داشته باشد. مورخان یونانی از هرودت و گزنفون تا سیاحان و مورخان قرن بیستم از همدان به عنوان یک شهر و پایتخت مادی و مرکز تابستانی هخامنشی و مرکز پارت و ساسانی یاد کرده‌اند. هرچند از این نوشته‌ها چنین مستفاد می‌شود که شهر در آغاز به عنوان یک مرکز سیاسی-اداری مورد نظر، شناخته و معرفی شده، ولی به نظر می‌رسد هیچگاه این موقعیت را پس از دوره‌ی مادها به دست نیاورده است. همدان با اینکه شهری مذهبی هم بوده، اما همشیه به عنوان یک شهر تجاری و اقتصادی و در بسیاری مواقع مرکز بیلاقی و تابستان‌نشین حکام مطرح بوده است. همدان همه این موقعیت و تداوم را در سایه و لطف طبیعت و قرار گرفتن در مسیر اصلی راه ابریشم به دست آورده است. این عوامل موجب شده تا این شهر هیچگاه خالی از سکنه نباشد. این مسأله از جهاتی هم موجب گردیده که دست‌یابی و کشف لایه‌های باستانی آن که در

زیر بافت موجود قرار دارد با دشواری مواجه شود. در عین حال باید اذعان نمود که براساس نوشته‌ها و مدارک و شواهد موجود، می‌توان تصویری نسبتاً روشن از شهر همدان نشان داد که ساختارهای تجاری آن بر ساختارهای اداری-سیاسی و غیره غلبه کرده است. بنابراین ساختار سراها و راستای بازارهای همدان، آن را به عنوان شهری اقتصادی-تجاری معرفی می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹، «مختصرالبلدان»، ترجمه ح، مسعود، تهران بنیاد فرهنگ ایران.
۲. ابن خردادبه، ۱۳۷۱، «مسالك وممالك»، ترجمه سعید خاکرند، تهران، مؤسسه مطالعات میراث ملل.
۳. ابودلف خزرچی، ۱۳۴۲، «سفرنامه ابودلف در ایران»، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، فرهنگ ایران زمین.
۴. اذکایی، پرویز، ۱۳۸۰، «بافت کهن شهر همدان (بیست گفتار درباره‌ی مادستان)»، همدان، نشر مادستان صص ۱۶۳-۱۷۸.
۵. اذکایی، پرویز، ۱۳۸۷، «همدان در یک نگاه، فصلنامه فرهنگ مردم (ویژه نامه همدان)»، سال هفتم، شماره ۲۶ صص: ۲۱-۱۲.
۶. اذکایی، پرویز، ۱۳۶۷، «درآمدی بر تاریخچه‌ی باستان‌شناسی همدان»، در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره‌ی ۲، سال دوم، بهار و تابستان صص: ۶۷-۵۶.
۷. اصطخری، ابواسحاق بن ابراهیم، ۱۳۶۸، «مسالك و ممالك»، ترجمه فارسی قرن هشتم هجری، به کوشش: ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
۸. امبرسزن.ن. و ج. پ. ملویل، ۱۳۷۰، «تاریخ زمین لرزه های ایران»، ترجمه ابوالحسن رده، تهران، انتشارات آگاه.
۹. بارتولد و بارتولد، ون، ۱۳۷۲، ۱۳۶۲، «تذکره جغرافیای تاریخی ایران»، ترجمه حمزه سردادور، تهران، توس.
۱۰. باکینگهام، جیمز سیک، ۱۳۸۰، «سفرنامه»، ترجمه منیژه اذکایی، همدان نامه (بیست گفتار درباره‌ی مادستان)، تالیف پرویز اذکایی، همدان، نشر مادستان، صص ۴۴۵-۴۳۳.
- بیگلری، اسفندیار، ۲۵۳۶، بازارهای ایران، بی‌جا، بی‌نا.
۱۱. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۹۰، «تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوره‌ی قاجار»، تهران، انتشارات آرمانشهر.
۱۲. جکسن، ویلیام، ابراهام والتاین، ۱۳۶۹، «سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)»، ترجمه منچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.
۱۳. خزائل کردستانی، رضا، ۱۳۲۲، «خلاصه‌ی تاریخ همدان»، تهران، بی‌نا.
۱۴. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، ۱۳۶۴، «راحه‌الصدور و فی آیه السرور در تاریخ آل سلجوق»، به کوشش: عباس اقبال، با تصحیحات لازم، مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۵. زارعی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۷، «ساخت بازار همدان»، فصلنامه فرهنگ مردم (ویژه نامه همدان)، سال هفتم، شماره ۲۶ صص: ۵۹-۴۷.

۱۶. زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۷۹، «مسجد جامع همدان، فصلنامه همدان»، شماره ششم، ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان صص: ۸۹-۸۲.
۱۷. زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۷۵، «امامزاده یحیی، فصلنامه فرهنگ همدان»، سال دوم، شماره ششم، تابستان، صص: ۸۵-۹۱.
۱۸. زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۷۶، «طرح پژوهشی بررسی آثار معماری استان همدان در دوره‌ی اسلامی»، دانشگاه بوعلی سینا همدان، (منتشر نشده).
۱۹. دلاواله، پیترو، ۱۳۷۰، «سفرنامه پیترو دلاواله»، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۰. «سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح»، ۱۳۶۸، همدان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۱. «سازمان جغرافیایی ارتش»، ۲۵۳۵، مجموعه‌ی آثار معماری سنتی ایران، دو بخش، بخش دوم دوره‌ی اسلامی، تهران، سازمان جغرافیایی ارتش.
۲۲. سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۳۴، فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی ارتش.
۲۳. قدکچی، اسماعیل، ۱۳۸۷، «درآمدی بر نقش تاریخی محلات»، فصلنامه‌ی فرهنگ مردم (ویژه‌نامه همدان)، سال هفتم، شماره ۳۶ صص: ۳۷-۲۲.
۲۴. قراگزلو، غلامحسین، ۱۳۶۹، «هگمتانه تا همدان»، تهران، انتشارات اقبال.
۲۵. کندلیس، ماندالا، مهندسین مشاور، ۱۹۷۳، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان.
۲۶. لسترنج، گای، ۱۳۶۴، «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۷. مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۸۱، «هگمتانه آثار تاریخی همدان»، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۸. مهریار، محمد و دیگران، ۱۳۷۸، «اسناد تصویری شهر ایران دوره‌ی قاجاریه»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) و دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. مطراق‌چی، نصوح، ۱۳۷۹، «در بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان»، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۰. موریه، جیمز، ۱۳۶۲، «سفرنامه جیمز موریه (سفر دوم)»، ترجمه، تهران.
۳۱. «مهندسان مشاور مرجان»، ۱۳۷۴، طرح جامع همدان، تلخیص: عبدالحمید اشراق، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.